

چترنگ

ناوار

آنيما احتياط



چترنگ گزارش از شطرنج آنلاین آنیما احتیاط

ناوار
ویرایش ۱

ویرایش يك این گزارش بیشتر در شماره نهم فصلنامه تخصصی
ادبیات داستانی و شعر «داستان شیراز» منتشر شده است.
«در این فایل تنها لینک اولین بازی اضافه شده است»
پاییز ۱۳۹۸



حلزون سیاه

احتیاط / آنیما

چترنگک (شطرنج آلترناتیو) / ناوار

۱۶ صفحه / مصور

طرح جلد: آنیما احتیاط

مینیاتور: از شاهنامه بایسنقری

نشر الکترونیک در سایت www.animaehtiat.com

قیمت: مبلغ سه هزار تومان به حساب «محک» واریز شود.

شماره کارت: ۶۰۳۷-۹۹۱۱-۹۹۵۰-۰۵۹۰

هر نوع نقل قول از کتاب با ذکر منبع جایز است

چترنگ گزارشی از يك شطرنج آلترناتیو آنیما احتیاط

~ لایه يك: ادبیات ~ اجرا ~

یکی از ایده‌های بنیادین در زمان حاضر با توجه به وضعیت ادبیات و هنر، طرح پروژه‌هایی است که بتوانند ادبیات و اجرا را در يك «برهم‌کنش ادبی ~ تنانه» پیوند دهند [۱]. میقات و ملاقاتی که الزام تاتر نباشد اما طیف «ادبیات ~ اجرا» پایدار بماند. این پیوند از دو طرف طیف قال خوانش است، یکی «~ اجرا» و دیگری «~ ادبیات». هرچند در مناسبات بین متن و تاتر تلاش‌های گسترده‌ای انجام شده است تا بر چالش «صفحه» و «صحنه» فائق آمد، باری مناقشه پایان ناپذیر است [۲].

در مقابل، راهکار اولین اجراها با خصلت هپنینگ، کنار گذاشتن متن به مثابه «نقشه انباشته از نظام نشانه‌ها» بود و هم‌زمان استفاده از گفتار مثله شده و فی‌البداهه در حین اجرا.

بازخوانی «ادبیات ~ اجرا» از طیف ادبیات اما ما را به نتایج دیگری می‌رساند. متن‌هایی که توام با اجرا بوده‌اند یا «ویژگی اجرایی» داشته‌اند را می‌توان از ترانه‌های فولکر [۳] تا دستورالعمل‌های آئینی شریعت و طریقت [۴] ردیابی کرد. این روندهای فرهنگی، بی‌شک می‌توانند برای آینده ادبیات راه‌گشا باشند. یکی از راه‌کارهای پویایی ادبیات خاصه: «~ شعر» و «~ رمان»، «اجرایی کردن متن» است. اجرایی کردن متن ادبی نه به مثابه میل به تاتر، بلکه به مثابه خلق کنشی «ادبی ~ اجرایی» [۵].

در زمان معاصر بی‌شک یکی از کتاب‌های مهم در این زمینه که ایده «ادبیات ~ اجرا» را در اختیار بگذارد (بی‌آنکه نویسنده‌اش بر این امر آگاهی کافی داشته باشد) هفتاد سنگ قبر یدالله رویایی است. در تاریخ شعر معاصر فارسی «هفتادسنگ قبر» از این حیث یگانه است. از طرف دیگر، ظهور و طرح «هنرهای مفهومی» که مبتنی بر «ایده» است و حتا می‌توان اثر هنری را به شکل گزارشی از يك ایده طرح کرد و برهم‌کنش این وضعیت با شعر می‌تواند منجر به خلق ایده‌های فراوان در راستای طرح همان پروژه‌هایی شود که بدان اشاره شد. یعنی پیوند «ادبیات ~ اجرا».

~ لایه دوم : طاس. شطرنج ~

در مجموعه «: شعر» دکوش های هرکس غارهای کله اوست، درغارهای تان به نیایش بنشینید» [۶]:

ایده اصلی در «فصل بازی»، نوشتن شعرهایی بود به مثابه «متن‌هایی برای اجرا». این متن‌ها توامان لازم بود هم شعر باشند و هم بتوانند «بازی‌ای» را خارج از متن سامان دهند. یکی از این «شعر~ بازی»ها، «طاس. شطرنج» نام داشت که در ادامه، متن کامل شعر را آورده‌ام.

در بازی «طاس. شطرنج»، نوع جدیدی از بازی با شطرنج پیشنهاد می‌شود. انداختن طاس و وارد کردن مولفه «پیشامد» به بازی [۷] برحسب نقش مهره‌های شطرنج روی طاس، به این ترتیب که هر یک از طرفین اول طاس می‌اندازد و برحسب پیشامد، یا بازی می‌کند یا به ناچار منتظر می‌ماند تا بعد از طاس انداختن طرف مقابل، دوباره با رخداد خود روبه‌رو شود.

نقش هر یک از وجوه طاس عبارت است از: شاه، وزیر، اسب، رخ، فیل، سرباز. شکل شماره (۱)



شکل شماره ۱. طاس شطرنج آلترناتیو

هرگاه بر طاس یکی از نقوش اسب، رخ، فیل یا سرباز ظاهر شود، بازیگر می‌تواند فقط مهره مورد نظر را حرکت دهد. در صورتی که قوانین بازی به او اجازه حرکت ندهد، نمی‌تواند حرکت کند. به عنوان مثال، در ابتدای بازی، اگر نقش طاس، فیل باشد، بازیگر نمی‌تواند بازی کند اما اگر اسب باشد، می‌تواند و باید یکی از اسب‌ها را حرکت دهد.

در خصوص مهره‌های شاه و وزیر، قوانین بازی به این شکل است:

اگر طاس، وزیر را نمایش دهد، بازیگر می‌تواند وزیر و یک مهره دیگر را به دلخواه به حرکت درآورد.

اگر طاس، شاه را نمایش دهد، بازیگر می‌تواند، شاه یا وزیر و یک سرباز را حرکت دهد.

سایر قوانین، مانند شطرنج ادامه دارد و البته در تمامی مراحل، «طاس انداختن» رکن ضروری بازی است. به عنوان مثال اگر از مهره‌های بازیگر شماره یک فقط شاه باقی مانده باشد، تنها زمانی می‌تواند شاه را حرکت دهد که طاس، شاه را نمایش دهد.

نام بازی : طاس. شطرنج [۸]

طاس سوم : زمان بازی، به همان اندازه که تند می گذرد، کند می گذرد

صفحه شطرنج را در میان می گذارند
سینکا بیگم با لشکر سفید - طرفی
و بانوی دیگر آن طرف صفحه می نشینند
سپید، طاس می اندازد:
اسب. یکی از اسبها را حرکت می دهد.
سیاه طاس می اندازد:
رخ. نمی تواند حرکت کند.
سفید، طاس می اندازد:
سرباز. یکی از سربازها را حرکت می دهد.
سیاه طاس می اندازد:
وزیر. سرباز مقابل شاه را حرکت می دهد و بعد وزیر را.
سفید طاس را می اندازد / بازی تا پایان ادامه دارد.

قوانین :

۱. طاس = سرباز : حرکت یکی از سربازها
 ۲. طاس = اسب : حرکت یکی از اسبها
 ۳. طاس = رخ : حرکت یکی از رخها
 ۴. طاس = فیل : حرکت یکی از فیلها
 ۵. طاس = وزیر : حرکت وزیر و یک مهره دیگر به دلخواه
 ۶. طاس = شاه : حرکت شاه یا وزیر و یک سرباز
- شکل طاس:

به جای یک، اسب روی طاس حك شده است. به جای دو، فیل. به جای سه، سرباز. به جای چهار، رخ
به جای پنج، وزیر و به جای شش، شاه.
قوانین دیگر: مانند شطرنج.

~ لایه سوم: الفبای جیرفتی ~

کتیبه جیرفت، متعلق به تمدن جیرفت، مربوط به هزاره سوم پیش از میلاد است. (شکل شماره ۲) تمدنی که به احتمال زیاد همان تمدن گمشده «ارتمه» است. در کاوش‌های صورت گرفته، کتیبه‌هایی به دست آمده است که به گمان باستان‌شناسان، خط روی آن، مراحل اولیه شکل‌گیری خط ایلامی نوشتاری را نشان می‌دهد. هرچند کاوش‌ها جهت رمزگشایی خطوط این کتیبه‌ها هم‌چنان ادامه دارد [۹].



شکل شماره ۲. تصویری از کتیبه‌های جیرفت

خارج از مباحث تخصصی مربوط به باستان‌شناسی کتیبه‌های یافت شده، آنچه برای نگارنده این سطور حائز اهمیت است، کشف پتانسیل «~ شعر دیداری» [۱۰] در کتیبه‌های جیرفت است از این‌رو مطابق شکل شماره (۳)، من «الفبای جیرفتی»، را با الهام از خطوط نقش بسته روی کتیبه‌ها ابداع کرده‌ام.

ابداع الفبای جیرفتی، تنها به منزله تعیین یک شکل در ازای حرف نیست بلکه اولن گذار از یک نظام ناخواندی به طرحی سیال و قابل خواندن است و بالعکس، دومن حرکت و دسترسی به ریشه خط که ذاتن دیداری است تا از این رهیافت، بتوان به امکاناتی در حوزه زبان و نوشتار دست یافت.

به عنوان مثال الفبای جیرفتی این امکان را فراهم می‌آورد تا هر متن (فارسی، انگلیسی و...) را به «~ شعر دیداری» تبدیل کنیم. در «پروژه شکسپیر» شکل شماره (۴) یا در «پروژه حافظ»، غزل‌ها را مطابق همین الفبا به «~ شعر دیداری» تبدیل کرده‌ام. به عبارت دیگر، متنی خواندنی به متنی دیداری تبدیل شده است. متنی که ارتباطات گسترده‌تری را در برمی‌گیرد و از این حیث تفاهم بیشتری بین جامعه انسانی برقرار می‌کند. در «پروژه حافظ»، آنچه در این تبدیل از امر خواندنی به دیدنی مدنظر بود، رنگ آمیزی و توزیع فراوانی حروف غزل بود. علاوه بر این، «الفبای جیرفتی» این امکان را فراهم می‌آورد تا بتوان متنی را به متنی دیگر ترجمه کرد. همان‌طور که در «پروژه خیام»، یک شعر از خیام به «~ شعر دیداری» مطابق الفبای جیرفتی تبدیل شده و از آن‌جا به یک شعر انگلیسی ترجمه شد. این بازی غالبین در ترجمه نهایی به یک زبان مثله شده و کور [۱۱] منجر می‌شود.

اکنون، می‌توان «الفبای جیرفتی» را در يك رهیافت جدید در بازی «طاس. شطرنج» طرح کرد. مطابق شکل شماره (۵)، حروف الفبا به روی صفحه شطرنج نقش می‌بندند. یکی از بازیگران، نقش کاتب را بازی می‌کند و با حرکت هر مهره و قرارگیری آن روی یکی از خانه‌ها، حرف مربوط به همان خانه ثبت می‌شود. بعد از ادامه این روند، در انتهای بازی، دو «~ شعر دیداری»، که محصول فرآیند بازی است، به وجود می‌آید. در واقع هر يك از اجراگران، شعر مربوط به خود را در روند بازی خلق کرده‌اند [۱۲].

در ادامه این ایده با «شطرنج - دوطاس» گسترش یافت. بازیگران به هنگام بازی باید دوطاس را هربار بیاندازند. طاس دوم منقش به شاه و وزیر و رنگ‌های قرمز، آبی، سبز و سیاه است. بازیگران تنها در صورتی می‌توانند شاه یا وزیر را حرکت دهند که هر دوطاس نقش شاه یا وزیر را نشان دهند. کارکرد رنگ‌ها در «~ شعر دیداری» می‌تواند منجر به رنگ آمیزی حروف شود [۱۳].

توضیحات :

[۱]: طیف تنانه این برهم کنش، باردار ساحتی از «ادارک» و «آگاهی» نیز هست.

در واقع مراد ما «آگاس» است به معنای «بدن~ ادراک~ زمان». جهت مطالعه بیشتر ر.ک به پرسه های شبانه با صورت های نجیب / آنیما احتیاط / نشر داستان / ۱۳۹۵

[۲]: «تنش مداومی بین تن و متن و به شکل کلی تر بین واقعیت تنانی اجراگر و ماهیت نشانه شناسیک اجرا وجود دارد که ممکن است کاسته یا افزوده شود» / به نقل از کتاب تاتریودگی / ژوزف فرال / ترجمه فرزانه دوستی / نشر افراز / ۱۳۸۹

همچنین تلاش های گسترده برای اجراهای تاتری فی البداهه تا کنون صورت گرفته است تا بتوانند تاتر را از سیطره متن رهایی بخشند.

[۳]: مراد ما در اینجا آن دسته از ترانه هایی هستند که خواندن آن ها توام با بازی است. مثل امل مثل تو توله.

[۴]: مراد ما اینجا هر نوع دستورالعملی است که متن از خواننده / مخاطب می خواهد «کاری» انجام دهد. به عنوان مثال:

«... کاهن پرنده را بگیرد و جلو قربانگاه ببرد، سرش را بکند بطوری که خوش برپهلوی قربانگاه بریزد. چینه دان و محتویات داخل شکمش را درآورد و آنها را در طرف شرق قربانگاه در جایی که خاکستر قربانگاه ریخته می شود بیندازد. سپس بالهای پرنده را گرفته آن را از وسط پاره کند بدون اینکه پرنده دو تکه شود» / از کتاب لاویان

در تمامی ادیان دستورالعمل هایی برای پیروان جهت اجرای مناسک نوشته شده است. آنچه مدنظر ما در این مجال است، خصلت اجرایی این متون است.

[۵]: به عنوان مثال:

۱- در سال ۱۹۶۸: مجموعه شعر «لطفا این کتاب را بکارید» اثر ریچارد براتیسگان که با کتاب، بذرهایی را توزیع کرده بود و از مخاطبان خواسته بود آن ها را بکارند.

۲- در تاریخ و سنت شعر پارسی، مولانا از این حیث بی نظیر و حتا هم چنان پیشرو است. شعر و سماع، عمیق ترین کنش اجراگرانه و شورمندانه شاعری بود که جهان را و عالم را و بودن در آن راه، هم از طریق شعر هم از راه اجرا به وجد و شغف درمی آورد.

[۶]: «گوش های هرکس غارهای کله اوست، درغارهای تان به نیایش بنشینید» / آنیما احتیاط / نشر نگیمما / شعرهای تابستان ۱۳۸۲ تا پاییز ۱۳۸۶ / چاپ: ۱۳۸۸

[۷]: در این بازی لایه ای از هزل «عقل مدرن» نیز در کار است.

[۸]: از کتاب: «گوش های هرکس غارهای کله اوست، درغارهای تان به نیایش بنشینید»

[۹]: نگاهی به نویافته های باستان شناختی جیرفت / مهدی رازانی، سیدمحمد امین امامی، عباس عابد

اصفهان، زیر نظر یوسف مجید زاده / دوفصلنامه تخصصی دانش مرمت و میراث فرهنگی / سال پنجم / شماره ۳، تابستان و پاییز ۱۳۸۸ / همچنین ر.ک به :

[۱۰]: خط در لایه‌های بنیادین خود مبتنی بر تصویر بوده است.

«نیاکان ما در دوران پیش از تاریخ، برای آن‌که عواطف، احساس‌ها، تصورها و تفکرهای خود را نمایش دهند، دست به کار آفرینش خطوط تجسمی شدند و از آن‌گاه که در غارها زندگی می‌کردند، به هنر تجسمی و نقش‌آفرینی توفیق یافتند. در سرزمین باستانی ایران تاکنون چند غار از دوره‌ی ماقبل تاریخ شناخته شده، که از جمله می‌توان از غار همیان شمالی و میرملاس یاد کرد. در این غارها چنان‌که می‌بینیم نیاکان ما که می‌توان دوران آن‌ها را تا ده‌هزار سال پیش از میلاد مسیح تخمین زد، با نمایش دادن افکار و اندیشه‌ها و آرزوی خود به نقش‌آفرینی پرداخته‌اند و می‌توان گفت نخستین گام را برای القا و تفهیم تصورها و تفکرها و احساس‌های خود به دیگران برداشته. به ترسیم خطوط و نقوش توفیق یافته‌اند. صحنه‌های شکار و جنگ و انسان بال‌دار، تفکرها، تجسم‌ها و تصوره‌های انسان‌های غارنشین را برای ما بازگو می‌کند و می‌تواند وظیفه‌ی چند سطر نوشته با خط را بر عهده بگیرد. این نقش‌ها و نگارها در واقع، پایه و اساس پدید آمدن خط نقش‌ونگاری گردید»

برگرفته از مجله افراز (نامه درونی انجمن فرهنگی ایران‌زمین) / شماره هفتم / پاییز ۱۳۸۳ تا بهار ۱۳۸۴ خورشیدی / صفحه ۲۴ تا ۲۹ به نقل از کتاب «چهل گفتار از چهل استاد در ایران‌شناسی»

به زعم نگارنده این سطور، «~ شعر دیداری»، می‌تواند حامل بازگشت شاعر معاصر به این پیشینه باشد. [۱۱]: این بازی می‌تواند نماینده وضعیت اسفبار انسان معاصر باشد که علی‌رغم قتل و کشتار به صورت گسترده و در زمان کوتاه (حروف مثله شده را پاره‌های تن در نظر بگیرید)، مرگ را فراموش کرده است. (شکل شماره ۶)

[۱۲]: به عنوان مثال شکل شماره (۷) نتیجه بازی نادرمشایخی و نگارنده این سطور است. این «~ شعرهای دیداری»، نتیجه پنج بازی را نشان می‌دهند.

[۱۳]: در ادامه می‌توان، خروجی فرآیند را به ساحت «موسیقی و هنر صدا» بسط داد. به این ترتیب که الفبا مطابق جدول شماره (۸)، ارزش موسیقایی پیدا کند و در نهایت توسط آهنگساز تدوین شده و به اجرا در می‌آید.

پانوش:














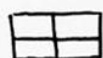










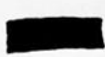

توضیح يك نشان:

«~» این نشان قبل از هر عبارت، به معنای بینابینیت است و گواهِ بر آن است که هیچ «گونه‌ای» مستقل نیست و در بینابینیت دیگر «گونه‌ها» قرار دارد پس «~ شعر دیداری» می‌تواند به عنوان مثال این گونه تفسیر شود: «شعر ~ نقاشی»، یعنی «~ شعر دیداری»، در حد فاصل طیف «~ شعر» و «~ نقاشی» نامیده می‌شود.

خود «~ شعر» و «~ نقاشی» نیز از این قاعده مستثنا نیستند.

از این رو نگارنده این سطور، ضد گونه‌ای به نام «ناوار» را دنبال می‌کند. جهت مطالعه بیشتر می‌توانید به آدرس زیر رجوع کنید: <https://animaehtiat.com/navar/>

جدول برابر نهاد حروف انگلیسی و فارسی با الفبای جیرفتی

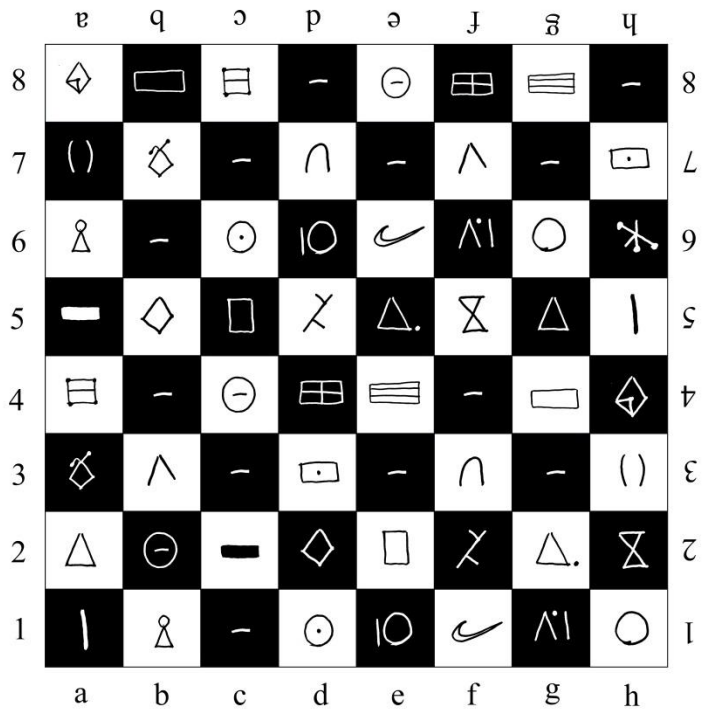
A	آ		N	ن	
B	ب		O	ش	
C	ث		P	پ	
D	د		Q	ع	
E	ا		R	ر	
F	ف		S	ص س	
G	چ		T	ط ت	
H	ح ه		U	غ	
I	ی		V	و	
J	ج		W	ق	
K	ک		X	خ	
L	ل		Y	گ	
M	م		Z	ز ذ ظ ض	

شکل شماره ۳

If thou survive my well-contented day,
When that churl Death my bones with dust shall cover
And shalt by fortune once more re-survey
These poor rude lines of thy deceased lover,
Compare them with the bett'ring of the time,
And though they be outstripped by every pen,
Reserve them for my love, not for their rhyme,
Exceeded by the height of happier men.
O! then vouchsafe me but this loving thought:
'Had my friend's Muse grown with this growing age,
A dearer birth than this his love had brought,
To march in ranks of better equipage:
But since he died and poets better prove,
Theirs for their style I'll read, his for his love'

اگر تو زنده باشی در روزگار من،
وقتی که آن کزبده مرگ استخوانهای من را با خاک بپوشاند
و سزاوار شود که دوباره به سوزن کمال
این سطرهای بد و بی‌ارزش تو را از دیوانه‌های تو
مقایسه کنی با سطرهای بهتری از زمانه ما،
و هرچند که هر قلمی آن‌ها را بر سر تو
بگذارد و آن‌ها را از کمال تو بگذرد،
برای من نگه دار، نه برای قافیه،
بلکه برای آنکه مرا به این فکر بیاوردی:
'اگر موهبت تو با زمانه من بزرگ شده بود،
آنگاه تولد تو از عشق تو باارزشتر بود،
تا در صف‌های بهتر و باارزشتر
بمبارش می‌رفت. اما چون او درگذشت و شاعران
بهتر شدند، سطرهای تو را برای سبک و
سبک‌دلی تو بخوانم، سطرهای او را برای عشق او'

شکل شماره ۴ . ترجمه غزلی از شکسپیر به :- شعر دیدرایی . برگرفته از کتاب الکترونیکی [درخشش های کهن](#)



شکل شماره ۵ . شطرنج آلترناتیو . ویرایش اول

ای چرخ فلک خرابی از کینه تست
 بیدادگری شیوه دیرینه تست
 ای خاک اگر سینه تو بشکافند
 بس گوهر قیمتی که در سینه تست

EI GRX FLK XREBI EZ KINH TST
 BIDEYRI OIVI DIRINH TST
 EI XEK EYR SINH TV BOKEFND
 BS YVHR WIMTI KH DR SINH TST

شکل شماره ۶. ترجمه شعر خیام به زبان انگلیسی از طریق الفبای جیرفتی

نادر مشایخی

I

☞ Δ ۱۸۱ ⊙ ⊞ ⚡ ⊞

II

☞ Δ ⬠

III

⊗

IV

۸۱ ⊙ █████ ۱ Δ. ⊞ ☞ ⊗ ⋈ ()

V

Δ. ⬠ ⋈ ⊞

آنیما احتیاط

I

⊞ ⬠ () Δ ⊙ ⊞ ⊗ ⬠

II

⊞ ⊞

III

⊞ ⊞ ⊗

IV

⊞ () ۸۱ ⊞ ⊞ ☞ ⋈ ⊞ ۱۰ ⊗ ۱

V

شکل شماره ۷. نتیجه بازی آنیما احتیاط و نادر مشایخی

جدول برابر نهاد نت‌ها و ارزش زمانی آن‌ها با الفبای جیرفتی

نت	دیرند/ انتخابی	نوع/ انتخابی		معادل	نت	دیرند/ انتخابی	نوع/ انتخابی		معادل
Do	■□	۱/۱۶	۱	∧	sol	■□	۱/۳۲	۱/۲	∧
Re	■□	۱/۱۶	۱	□●	la	■□	۱/۳۲	۱/۲	○
mi	■□	۱/۱۶	۱	∩	si	■□	۱/۳۲	۱/۲	○
fa	■□	۱/۱۶	۱	()	do	■□	۱/۳۲	۱/۲	○●
sol	■□	۱/۱۶	۱	≡	re	■□	۱/۳۲	۱/۲	∧
la	■□	۱/۱۶	۱	□	Do	■	۱/۸	۱/۴	∧
si	■□	۱/۱۶	۱	○-	Re	■	۱/۸	۱/۴	□
do	■□	۱/۱۶	۱	□	mi	■	۱/۸	۱/۴	∩
re	■□	۱/۱۶	۱		fa	■	۱/۸	۱/۴	◇
Do	■□	۱/۳۲	۱/۲	△	sol	■	۱/۸	۱/۴	◇
Re	■□	۱/۳۲	۱/۲	△.	la	■	۱/۸	۱/۴	∩
mi	■□	۱/۳۲	۱/۲	□	si	■	۱/۸	۱/۴	∩
fa	■□	۱/۳۲	۱/۲	■	انتخاب نت به دلخواه	■	۱/۶۴	سکوت	◇

موارد زیر بر حسب ضرورت انتخابی است.

... , # , X , ♯ , ♭

میزان و ریتم، آزاد.

شکل شماره ۸